



University of Tehran Press

Biological Sterilization, an Example of a Crime against Humanity

Aliasghar Aghalar¹ | Masoud Raei²

1. Ph.D. Student in International Law, Faculty of Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: a.asghar.a@gmail.com
2. Corresponding Author Associate Prof, Department of International Law, Faculty of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: masoudraei@yahoo.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Pages: 351-371</p> <p>Received: 2021/05/30</p> <p>Received in revised form: 2021/08/22</p> <p>Accepted: 2021/10/03</p> <p>Published online: 2023/04/19</p> <p>Keywords: <i>bioterrorism, biological agents, International Criminal Court, crime against humanity, sterilization.</i></p>	<p>Disrupting or deactivating the reproductive power in humans due to biological agents is called biological sterilization. In this type of sterilization, which is an irreversible process, people become deprived of the ability to have children forever. Since biological agents are used to sterilize people, it is also called a bioterrorist action because the deliberate use of biological agents as a weapon in terrorist activities is called bioterrorism. In this bioterrorist action, the life, health and safety of human beings is endangered through biological agents for specific purposes, so it can also be considered a clear violation of human rights and a crime against humanity. The purpose of this article, which uses a descriptive- analytical method, is to prove that under the Statute of the International Criminal Court, the use of biological agents (bioterrorism) for sterilization due to their dangerous characteristics and harmful effects can be considered a crime against humanity.</p>
How To Cite	Aghalar, Aliasghar; Raei, Masoud (2023) Biological Sterilization, an Example of a Crime against Humanity. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 53 (1), 351-371. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2021.324547.2784
DOI	10.22059/JPLSQ.2021.324547.2784
Publisher	University of Tehran Press.





عقیم‌سازی بیولوژیک، مصداقی از جنایت علیه بشریت

علی اصغر آقار^۱ | مسعود راعی^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

رایانامه: a.asghar.a@gmail.com

۲. نویسنده مسئول؛ دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، اصفهان، ایران.

رایانامه: masoudraei@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	به مختل کردن یا از کار انداختن قدرت تولیدمثل در افراد بر اثر عوامل بیولوژیک، عقیم‌سازی بیولوژیک گویند. در این نوع عقیم‌سازی که فرایندی برگشت‌ناپذیر است، توانایی فرزندآوری برای همیشه از افراد سلب می‌شود. چون در این روش، از عوامل بیولوژیک برای عقیم کردن افراد استفاده می‌شود، به آن اقدام بیوتورستی نیز گویند، زیرا به استفاده عمدی از عوامل بیولوژیک، به‌عنوان سلاح در فعالیت‌های ترورستی بیوتورستم گویند. در این اقدام بیوتورستی، حیات، سلامت و امنیت جانی انسان‌ها از طریق عوامل بیولوژیک برای اهداف خاص به خطر می‌افتد، بنابراین می‌توان آن را نیز نقض آشکار حقوق بشر و جنایت ضدبشری قلمداد کرد. هدف از این مقاله که با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام گرفته، این است که براساس اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری اثبات کند، استفاده از عوامل بیولوژیک برای عقیم کردن افراد (بیوتورستم)، با توجه به ویژگی‌های خطرناک و آثار فجیعی که از خود برجای می‌گذارند، می‌تواند مصداقی از جنایت علیه بشریت محسوب شود.
صفحات: ۳۷۱-۳۵۱	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۵/۳۱	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱	
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۰۱/۳۰	
کلیدواژه‌ها: بیوتورستم، جنایت علیه بشریت، دیوان بین‌المللی کیفری، عوامل بیولوژیک، عقیم‌سازی.	
استناد	آقار، علی اصغر؛ راعی، مسعود (۱۴۰۲). عقیم‌سازی بیولوژیک، مصداقی از جنایت علیه بشریت. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۳ (۱)، ۳۷۱-۳۵۱. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2021.324547.2784
DOI	10.22059/JPLSQ.2021.324547.2784
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



مقدمه

عقیم‌سازی، از روش‌های پیشگیری از بارداری است که سبب می‌شود شخص به‌طور دائم قدرت تولیدمثل خود را از دست بدهد. این عمل به روش‌های مختلفی انجام می‌گیرد. یکی از این روش‌ها استفاده از عوامل بیولوژیک است که به آن عقیم‌سازی بیولوژیک گویند. عقیم‌سازی بیولوژیک، اقدامی بیوتروریستی است. به هر گونه اقدام وحشت‌زا و آسیب‌رسان که با استفاده از آزادسازی یا انتشار عمدی عوامل بیولوژیک به‌شدت بیماری‌زا، شامل انواعی از موجودات زنده ریز یا سموم بیولوژیک، انجام می‌پذیرد، بیوتروریسم گویند (زارع‌بیدکی و بلالی‌مود، ۱۳۹۴: ۱۸۲). بیوتروریسم، از دو بخش تشکیل شده است؛ بیو و تروریسم. بیو، در زبان انگلیسی به معنای حیات و زندگی است^۱ و تروریسم، به معنای دست زدن به اعمال خشونت‌آمیز همچون قتل، بمب‌گذاری، تخریب برای اهدافی همچون ایجاد ناامنی و ترس‌انگیزی در دل ساکنان یک منطقه تا از آنجا کوچ کنند یا به زیر سلطه درآیند و به خدمت گرفته شوند (المیسری، ۱۳۸۳: ۱۳۱). در اقدام‌های تروریستی، تروریست‌ها، آشکارا عملیات خود را انجام می‌دهند و به‌منظور نشان دادن قدرت خود، مسئولیت آن را نیز به‌عهده می‌گیرند. لیکن، در اقدام‌های بیوتروریستی، هدف قدرت‌نمایی نیست. هدف آنها با توجه به راهبرد آنها مشخص می‌شود. راهبرد در اقدام‌های بیوتروریستی به دو دسته تقسیم می‌شود، راهبرد کوتاه‌مدت و بلندمدت. در راهبرد کوتاه‌مدت، ممکن است هدف حذف شخصیت خاصی باشد به‌صورت آرام و بی‌صدا، ولی در راهبرد بلندمدت، هدف شخص نیست، بلکه کل جامعه جهانی است. در این نوع اقدام‌های بیوتروریستی، تروریست‌ها دست به اقدام‌هایی می‌زنند که بر کل جامعه جهانی سیطره یابند و منافع خود را نیز به خطر نیندازند. یکی از این اقدام‌های بیوتروریستی، عقیم‌سازی بیولوژیک است. در این اقدام بیوتروریستی، تروریست‌ها دست به اقدام‌های تخریب‌گر و پنهانی می‌زنند که هم، پیشگیری از آن و هم راهکارهای کشف و مقابله با آن دشوار است. از این‌رو بیوتروریسم، سلامت انسان و امنیت جوامع را نشانه می‌رود و از این حیث باید آن را نقض آشکار حقوق بشر، حقوق بین‌الملل و جنایت ضدبشری توصیف کرد. در این مقاله، سعی شده است چند نمونه از طرح‌های راهبردی تروریست‌ها که برای عقیم‌سازی با استفاده از عوامل بیولوژیک از آن استفاده می‌کنند، توضیح داده شود و در ضمن به این پرسش پاسخ داده شود که چرا، عقیم‌سازی بیولوژیک، می‌تواند جنایت ضدبشری محسوب شود؟ در پاسخ، فرضیه اصلی این است که عوامل بیولوژیک، با توجه خطرهایی که برای سلامت و امنیت انسان و محیط زیست دارند، هر گونه استفاده و حتی تهدید به استفاده از این عوامل، نقض جدی و مسلم قواعد حقوق بشر است و می‌تواند مصداقی از جنایت ضدبشری قلمداد شود.

1. bio: is used at the beginning of nouns and adjectives that refer to life or to the study of living things

۱. پیشینه تحقیق

سابقه استفاده از سلاح‌های بیولوژیک از گذشته‌های دور وجود داشته، شاید در آن زمان‌ها به این اسم شناخته شده نبوده باشد. در این زمینه کتاب‌ها و مقالات زیادی چه به زبان فارسی و چه لاتین به نگارش درآمده است که بیشتر این کتاب‌ها و مقالات عوامل بیولوژیک را از بعد پزشکی بررسی کرده‌اند، چراکه عامل بیولوژیک، در حوزه پزشکی و بهداشت کاربرد دارد. از مهم‌ترین این کتاب‌ها، بیوتروریسم در طب غربی از دکتر محمد دریایی است. در این کتاب ابعاد پزشکی عامل بیولوژیک کامل توضیح داده شده است. از بعد نظامی، این عوامل نیز در چند کتاب مورد توجه قرار گرفته است. در این زمینه می‌توان از کتاب، دفاع در برابر جنگ بیولوژیک و بیوتروریسم، از دکتر محمدحسن شاه‌حسینی نام برد. در این کتاب، ابعاد نظامی سلاح‌های بیولوژیک و توانایی‌های کشنده این سلاح‌ها به خوبی توضیح داده شده است. ولی منابعی که از نظر حقوقی، کاربرد این گونه سلاح‌ها را واکاوی کرده باشد، چه در زبان فارسی و چه در زبان لاتین به خصوص مورد استفاده این سلاح‌ها برای منظور خاص همچون عقیم‌سازی، محدود است. تأثیر مواد شیمیایی بر باروری، در بعضی اظهارنظرهای پزشکی و مقالات پزشکی اشاره شده است، ولی مقاله یا کتابی که به طور خاص به این موضوع پرداخته باشد، وجود ندارد. بنابراین، عقیم‌سازی بیولوژیک، یک نوآوری است که محقق در این مقاله هم از لحاظ پزشکی و هم از لحاظ حقوقی و با توجه به اسناد و مدارک معتبر علمی به آن پرداخته است.

۲. مفهوم بیوتروریسم

براساس تعریف پلیس بین‌الملل در سال ۲۰۰۷ میلادی، بیوتروریسم عبارت است از: «منتشر کردن عوامل بیولوژیکی یا سمی با هدف کشتن یا آسیب رساندن به انسان‌ها، حیوانات و گیاهان با قصد و نیت قبلی و به منظور وحشت‌آفرینی، تهدید و وادار ساختن یک دولت یا گروهی از مردم به انجام عملی یا برآورده کردن خواسته‌ای سیاسی یا اجتماعی» (یک‌رنگی و واحدی، ۱۳۹۸: ۱۶۵). براساس تعریف مذکور، آنچه در یک حمله بیوتروریستی مهم است، اولاً، عوامل بیولوژیک است. این عوامل با هدف کشتن یا آسیب رساندن به انسان‌ها یا محیط زیست به کار می‌رود و بیشتر افرادی هم که مورد این حملات قرار می‌گیرند، غیرنظامی‌اند؛ ثانیاً، این عوامل با علم و آگاهی و قصد و نیت قبلی و سازمان‌یافته به کار می‌روند و ثالثاً، حملات بیوتروریستی به منظور وحشت‌آفرینی و ایجاد ناامنی در بین مردم انجام می‌پذیرد. با توجه به شرح مذکور بیوتروریسم عبارت است از استفاده عمدی از عوامل بیولوژیک، به عنوان سلاح یا جنگ‌افزار در فعالیت‌های تروریستی، حال اگر از این عوامل در عملیات نظامی استفاده شود، به آن جنگ بیولوژیک گویند. از شرح مذکور می‌توان به این نتیجه رسید که اگر

از عوامل بیولوژیک، به‌طور عمدی به‌عنوان سلاح برای مختل کردن چرخه تولیدمثل و تباہ کردن نسل بشر استفاده شود، می‌توان آن را جنگ جمعیتی نامید. جنگ جمعیتی، از اهرم‌های مهم و جدی است که به‌منظور کنترل و کاهش جمعیت کشورها جهان، به‌خصوص کشورهای جهان سوم و رو به پیشرفت استفاده می‌شود. در این نوع جنگ، به‌جای صرف هزینه‌های بی‌شمار برای کشتن انسان‌ها و ریختن خونشان، از به‌دنیا آمدن آنها جلوگیری به‌عمل می‌آورند (حسینی مجرد، ۱۳۹۴: ۶۸). بنابراین، در جنگ جمعیتی و بیوتروریسم، دیگر از بمب، موشک و سلاح‌های قابل رؤیت استفاده نمی‌شود، بلکه از عوامل ذره‌ای استفاده می‌شود که به سلاح‌هایی پنهان با قابلیت نقل و انتقال آسان تبدیل شده‌اند. سلاح‌های بیولوژیک، سلاح‌های ذره‌ای هستند که می‌توانند آرام‌آرام یا به‌سرعت افراد و جمعیت‌های انسانی را از پای درآورند و امنیت جامعه جهانی را به خطر بیندازند و جنایت‌هایی را علیه نوع بشر رقم بزنند. به‌عبارت دیگر، بیوتروریسم، شیوه‌ای مناسب برای حذف افراد و تخریب ساختارهای زیربنایی، مانند ساختارهای بهداشتی، فرهنگی و اجتماعی به‌صورت نرم و خاموش است. در بیوتروریسم، دولت‌ها برای رسیدن به اهداف خود و عدم مسئولیت در سطح بین‌المللی با تغییر میدان نبرد، از نبرد آشکار با سلاح‌های آشکار به نبردی پنهان با سلاح‌هایی پنهان روی آورده‌اند. در بیوتروریسم، دشمن پنهان شده است و هیچ نشانی از خود او و سلاح‌هایش وجود ندارد (کریمی، ۱۳۹۵: ۱۳). امروزه، «دیگر مثل گذشته نیست که دشمن، کلاه‌خودی داشته باشد و با خنجر و لباس سرخی بیاید، بگیرد، ببندد و راهش را بگیرد و برود و ما هم بفهمیم که این دشمن بود، امروز دشمن از توی یقه‌هایمان درمی‌آید» (شریعتی، ۱۳۸۱: ۳۴). منظور از این جمله این است که دشمن امروزه داخل پوشاک، مواد غذایی، آب، مواد بهداشتی و به‌طور کلی لوازم ضروری زندگی انسان‌ها رخنه کرده است. مشکل این است که نمی‌فهمیم مورد تهاجم دشمن قرار گرفته‌ایم، زیرا تفکیک بین عمدی یا طبیعی بودن شیوع یک عامل بیولوژیک، به‌دلیل آثار تأخیری که دارند، به تجهیزات فنی و امکانات پیشرفته نیاز دارد و به‌راحتی امکان‌پذیر نیست. اثبات ادعا در اقدام‌های بیوتروریستی، خیلی سخت است. این سلاح‌ها، سلاح‌های غیردقیق و کورند و دقت لازم و کافی برای اهداف تعیین‌شده را ندارند و به‌کارگیری آنها می‌تواند از اهداف موردنظر فراتر رود (خالقی و نبوی، ۱۳۹۴: ۲۵). تاکنون حدود ۱۲۰۰ عامل بیولوژیک، که بالقوه می‌توانند به‌عنوان سلاح استفاده شوند، بررسی شده‌اند. بسیاری از آنها در محیط زیست طبیعی که آب، خاک و جانوران حضور دارند، به‌فراوانی یافت می‌شوند. دامنه عوارض این عوامل بسیار گسترده است. دستکاری ژنتیکی این عوامل می‌تواند میزان تأثیرگذاری یا قدرت ناتوان‌سازی آنها را بیشتر و درمان آنها را سخت‌تر و پیشگیری از آنها را غیرممکن سازد.^۱ سلاح‌های بیولوژیک، جزو مصادیق سلاح‌های

1. Biological agent. (2015, March 11). In Wikipedia.

کشتار جمعی محسوب می‌شود، اصطلاح سلاح‌های کشتار جمعی در سال ۱۹۴۸ میلادی در یکی از اسناد کمیسیون سلاح‌های متعارف سازمان ملل متحد به کار رفته و از آن پس رواج گسترده‌ای یافته است.^۱ خاصیت اصلی این نوع سلاح‌ها، این است که در کاربردشان، امکان تفکیک میان افراد وجود ندارد (دستغیب، ۱۳۹۵: ۳۳). استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی می‌تواند مصداقی از یک جنایت ضدبشری باشد، زیرا استفاده از این سلاح‌ها نه تنها به کشتار و تخریب گسترده منجر می‌شود، بلکه میان آحاد ملت تمایزی قائل نیست و آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به انسان وارد می‌کند. استفاده از این سلاح‌ها، موجب ایجاد درد و رنج جسمی و روحی غیرضروری، در افراد هدف می‌شود. آثار ضدبشری آن مرزهای سیاسی و جغرافیایی را درمی‌نوردد و حتی به نسل‌های بعدی نیز خسارت‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌کند.

در حال حاضر اقدام‌های بیوتروریستی، به شیوه‌های حرفه‌ای انجام می‌پذیرد. بسیاری از مراکز تحقیقاتی دنیا در زیر پوشش‌های مختلف، انواع شیوه‌های بیوتروریستی را بررسی می‌کنند. یکی از شیوه‌های نوین اقدام‌های بیوتروریستی، جنگ جمعیتی است. جنگ جمعیتی، در عمل بسیار مؤثرتر از جنگ نظامی عمل کرده است. در جنگ جمعیتی، با استفاده از ترفندهای مختلف یکی از حقوق ذاتی و طبیعی که خداوند متعال آن را در وجود هر فردی به ودیعه نهاده است، به تباهی کشیده می‌شود. حقی که در آموزه‌های دینی و اسناد مختلف حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است، یعنی حق باروری، حقی که سرچشمه حیات است و حیات از آن منشعب می‌شود. در حال حاضر برای مختل کردن حق باروری طرح‌های مختلفی در دست اجراء است. تمام این طرح‌ها در قالب اقدام‌های بیوتروریستی انجام می‌پذیرد و از عواملی که برای این منظور استفاده می‌شود، به‌عنوان عوامل بیولوژیک نام برده می‌شود. در این طرح‌ها مواد ضروری و مورد نیاز مردم مانند خوراک و پوشاک و همچنین، مواد بهداشتی و آرایشی را با افزودن مواد شیمیایی مختلف به آنها به سلاح تبدیل کرده و برای رسیدن به اهداف خود از آن استفاده می‌کنند.

۳. حقوق بشر و حق باروری

در نهاد همه انسان‌ها به حکم فطرت الهی، حقوقی به ودیعت نهاده شده است که غیرقابل انکار و تغییر است و در هر عصر و زمان افراد بشر از هر نژاد و جنس، صرف‌نظر از رنگ، پوست و میزان ثروت و موقعیت اجتماعی را شامل می‌گردد (دهقان منگابادی، ۱۳۹۰: ۹). این حقوق که حقوق بشر نامیده می‌شود، چنان با طبیعت امور و فطرت انسان‌ها سازگار است که عقل هر آدمی بی‌هیچ واسطه‌ای حکم به تصدیق آنها می‌کند. هیچ‌کس نمی‌تواند این حقوق را از خود جدا یا آن را به دیگری واگذار کند یا از

۱. این کمیسیون را شورای امنیت در ۱۳ فوریه ۱۹۴۷ تاسیس کرد (ممتاز، ۱۳۷۷: ۱۲).

آن صرف‌نظر کند. همه حقوق بشر و نه بخشی از آن، برای همه است. اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوقی را به‌عنوان حقوق بشر مطرح کرده است که لازمه حیثیت و کرامت انسانی انسان‌هاست که خداوند متعال آفرینش آنها را برای همه انسان‌ها قرار داده است. این حقوق، حقوق ذاتی‌اند که توسط هیچ‌کسی سلب‌شدنی نیست. یکی از این حقوق، حق حیات است. حق حیات، پایه و اساس تمامی حقوق بشر محسوب می‌شود و سرچشمه و منشأ دیگر حقوق است، حتی که هیچ فرد یا گروهی منکر آن نیست. سرچشمه حیات، از طریق تولیدمثل جریان می‌یابد. به توانایی طبیعی تولیدمثل، باروری گفته می‌شود. حق باروری، یعنی به رسمیت شناختن حق اساسی تمام افراد برای تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه برای فرزنددار شدن و داشتن اطلاعات و وسایل کافی برای تحقق این موضوع و داشتن حق برای دستیابی به بالاترین استانداردهای بهداشت جنسی و باروری. این حق، شامل حق تمامی افراد برای تصمیم‌گیری درباره باروری عاری از هر گونه تبعیض، اجبار و خشونت نیز می‌شود (حکیمی و محمدعلی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۳۱). حق باروری، شامل حقوق بشر مشخصی می‌شود که هم‌اکنون در قوانین ملی، اسناد حقوق بشر بین‌المللی و سایر اسناد مربوط به سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده است. حق باروری، برای اولین بار در سال ۱۹۶۸ میلادی، در جریان کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر سازمان ملل متحد، به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از حقوق بشر توسعه یافت است. اعلامیه تهران، اولین سند بین‌المللی است که این حق را به رسمیت شناخته است (لمیعیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۶). بنابراین، استفاده از هر وسیله‌ای برای نابود کردن چشمه‌سار حیات بشری، اعم از کلی یا جزئی، چه از نظر شرعی و چه از نظر اسناد بین‌المللی حقوق بشری ممنوع و حرام است (آگاه، ۱۳۸۲: ۱۶۱). در مقابل باروری، عقیم‌سازی وجود دارد. عقیم کردن یک انسان بنابر قوانین قضایی برابر قتل آن انسان است.

۴. عقیم‌سازی، براساس اسناد حقوق بشر

عقیم‌سازی، موضوعی جهانی است و گستره جغرافیایی فراوانی را در برمی‌گیرد و اسناد و قوانین بین‌المللی متعددی به این موضوع پرداخته‌اند. عقیم‌سازی، امری غیرقانونی و غیراخلاقی است و هیچ مجوزی برای آن وجود ندارد. در اسناد حقوق بشری و حقوق بین‌المللی نیز پذیرفته نشده است و جز در مواردی خاص که مربوط به بیماری است، نمی‌توان شخصی را از داشتن فرزند محروم کرد. همچنین براساس نظرهای علمی بین‌المللی، هیچ‌کس حق ندارد فردی را به دلیل وجود مشکلی یا بیماری از زاد و ولد یا تکثیر نسل بازدارد. ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارد، مردان و زنان بدون هیچ‌گونه محدودیتی حق دارند که با یکدیگر زناشویی کنند و خانواده تشکیل دهند. همچنین ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر

دوره مادری و کودکی را سزاوار توجه و مراقبت ویژه دانسته است. از لحاظ اسناد بین‌المللی میثاقین نیز این عمل خلاف قانون و حقوق بشر است و جزء مواردی بوده که در تعارض با حقوق طبیعی و اساسی افراد است. بنابراین، باید توجه داشت هیچ‌کس را نمی‌توان مبتنی بر هیچ برهانی از تشکیل خانواده و مادر یا پدر شدن محروم کرد. این مسئله، اگر برای عقیم کردن هدایت‌شده یک نسل باشد، خلاف کنوانسیون‌های بین‌المللی و نوعی نسل‌کشی محسوب می‌شود.

۵. عقیم‌سازی اجباری^۱ بر اساس اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری

عقیم‌سازی اجباری، یکی از موارد خشونت‌های جنسی است که بر اساس شق ۸ بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، جرم‌انگاری شده است. این جرم از نوآوری‌های اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری است و برای اولین بار به‌عنوان یک ایده خاص در اساسنامه دیوان به فهرست درآمده است. هیچ‌یک از دادگاه‌های کیفری پیشین در این زمینه رأی صادر نکرده‌اند (غلام‌حیدر، ۱۳۸۵: ۱۶۶). عقیم‌سازی، در طول جنگ جهانی دوم در اردوگاه‌های کار اجباری روی بعضی از اسرای جنگی و مردم غیرنظامی به‌عنوان مجازات و به‌سبب برخی آزمایش‌های پزشکی انجام گرفته بود که این امر مورد اعتراض و تقبیح واقع شد. در عناصر تشکیل‌دهنده جرائم مصوب کمیسیون مقدماتی تصریح شده است که جنایت علیه بشریت، وقتی تحقق می‌یابد که مرتکب یک یا چند نفر را از قابلیت زیستی و تولیدمثل محروم سازد و این عمل، نه به‌سبب درمان پزشکی یا بیمارستانی شخص یا اشخاص موردنظر توجیه‌پذیر بوده و نه با رضایت واقعی آنان همراه باشد (مؤذن‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷). ضمن آنکه رضایت ناشی از خدعه و فریب و رضایت تحت فشار، رضایت صادقانه محسوب نخواهد شد. بنابراین، عقیم‌سازی تحت فشار نیز نوعی جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود، زیرا در این نوع عقیم‌سازی، رضایت فرد برای عقیم شدن، نه با اجبار، بلکه با مشوق‌های مالی یا غیرمالی، اطلاعات غلط یا تهدید فرد، در شرایطی کسب می‌شود که او در موقعیت اجتماعی، اقتصادی فرودستی قرار داشته باشد و تصمیم او را نمی‌توان تصمیمی آزادانه محسوب کرد. بر اساس بیانیه مشترکی که توسط سازمان بهداشت جهانی، یونیسف، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر در این زمینه تهیه شده است، هیچ‌کس نباید برای عقیم شدن مشوق دریافت کند، خواه از طرف همسر یا دیگر اعضای خانواده و خواه از طرف پرسنل پزشکی یا مأموران حکومتی. پیشنهاد دریافت غذا، پول، زمین و مسکن از جمله مشوق‌هایی هستند که برای راضی کردن افراد به عمل عقیم‌سازی، به کار برده شده است (صادق‌زاده میلانی، ۱۳۹۵: ۲۶).

1. enforced sterilization

۶. طرح‌های ویژه برای عقیم‌سازی جهانی

در سال ۱۹۶۸ میلادی، با ورود «رابرد مک‌نامارا»^۱ به بانک جهانی برنامه کنترل جمعیت ابعاد تازه‌ای یافت و از مرز عقیم‌سازی و جلوگیری از بارداری گذشت و به جنگ تمام‌عیار ضدانسانی و بیوتروستی به نام جنگ جمعیتی تبدیل شد (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۴۵). در این جنگ جمعیتی، برای تباہ کردن نسل بشر با دنبال کردن برنامه‌هایی در تمام ابعاد زندگی مردم نفوذ کرده و از ترفندهایی همچون آلودگی آب و مواد غذایی با انواع مواد شیمیایی، تولید داروهای رنگین اما مسموم و مرگ‌آفرین، واکسیناسیون، تولید بذره‌های عقیم‌کننده، تغییر سبک زندگی و همچنین رواج انواع لوازم بهداشتی و آرایشی تقلبی، مکمل‌های بدنسازی سبب اختلال در سیستم باروری و عقیم کردن افراد شده‌اند (کرمی، ۱۳۹۵: ۱۸۵). در ادامه دو طرحی که در این زمینه اجرا شده به‌طور خلاصه توضیح داده شده است.

۱.۶. طرح مطالعه امنیتی شماره ۲۲۰۰

این طرح، به سیاست غذایی و مواد خام راهبردی می‌پردازد. در این طرح، استراتژیست‌ها و سیاستمداران غربی از جمله هنری آلفرد کیسینجر^۲ معتقدند، آنچه امنیت و سیطره جهانی آمریکا را تهدید می‌کند، رشد جمعیت کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌ای است که دارای منابع غنی هستند. بنابراین، با حمایت مالی سرمایه‌داران غربی از جمله بنیاد راکفلر، بنیاد پاکارد، بنیاد کاول، بنیاد رفاه عمومی، بانک جهانی و یونیسف، مطالعات و پژوهش‌هایی را برای جلوگیری از افزایش جمعیت و کنترل هدفمند آن در سراسر جهان آغاز کردند (حسینی مجرد، ۱۳۹۴: ۹۰).

در این زمینه در سال ۱۹۴۸ میلادی، طی یک قرارداد پژوهشی میان ارتش آمریکا و دانشگاه جانز هاپکینز^۳ مطالعاتی برای ارائه برنامه هماهنگ جهانی به‌منظور کاهش جمعیت کشورهای کمتر

۱. مک نامارا (Rabert Mak Namara)، از باورمندان سرسخت کاهش جمعیت بود، وی قبل از به دست گرفتن ریاست بانک جهانی، وزیر دفاع آمریکا بود و میلیون‌ها نفر را در ویتنام کشته بود.

2. NSSM 200: National Security Study Memorandum No. 200

۳. هنری آلفرد کیسینجر (Henry Alfred Kissinger)، دیپلمات معروف آمریکایی و مشاور اسبق امنیت ملی ایالات متحده آمریکا، وی در دوره ریچارد نیکسون به‌عنوان وزیر امور خارجه آمریکا مشغول به کار شد و در سال ۱۹۷۳ به‌سبب تلاش‌هایش برای پایان بخشیدن به جنگ ویتنام جایزه صلح نوبل گرفت. از او به‌عنوان استراتژیست ارشد جهان نام می‌برند.

۴. دانشگاه جانز هاپکینز (Johns Hopkins University)، از قدیمی‌ترین و معتبرترین دانشگاه‌های تحقیقاتی آمریکاست که در شهر بالتیمور در ایالت مریلند قرار دارد. این دانشگاه، الگوی مدیریتی خود را از دانشگاه‌های برجسته آلمانی برگرفته و یکی از نخستین دانشگاه پژوهشی آمریکاست که از زمان تأسیس در سال ۱۸۷۶ میلادی، سی‌وشش برنده جایزه نوبل به این دانشگاه وابسته بوده است.

توسعه یافته شروع شده است. در سند این طرح امنیتی انرژی و غذا، دو اهرم کاربردی کنترل ملت‌ها معرفی شده است. آنها معتقدند اگر می‌خواهند دولت‌ها را کنترل کنند، باید نفت را به کنترل خود درآورند و اگر می‌خواهند مردم را تحت سیطره خود درآورند، باید غذای آنها را کنترل کنند (موعود، ۱۳۹۸: ۶۹). نتیجه این سند، این است که از غذا به عنوان سلاحی برای پیشرفت سیاست‌های خود استفاده می‌کنند، زیرا غذا را دغدغه خاص هر استراتژی جمعیتی می‌دانند که مردم در سیطره آن گرفتار شده‌اند. در راستای طرح مطالعه امنیتی شماره ۲۰۰ دست به اقدام‌هایی عجیب و مجرمانه‌ای زده‌اند که بیشتر به قتل عام خاموش شبیه است (قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۱۵). این طرح، در عرصه مواد غذایی انواع خبثات‌ها را به کار گرفته است و با رواج انواع مواد شیمیایی و سمی در خوراک و احتیاجات ضروری مردم آنها را در معرض انواع بیماری‌های مزمن از جمله ناباروری قرار داده است. برای مثال، غذاهای کارخانه‌ای و کنسرو شده، آب لوله‌کشی شهری، محصولات غذایی بسته‌بندی شده، مرغ و ماهی‌های پرورشی با هورمون رشد، افزودنی‌ها و نگهدارنده‌ها به مواد غذایی در فرایند فراوری که بسیاری از تولیدکنندگان براساس استانداردهای تعریف شده در کشورهای غربی، کشورهای تهیه‌کننده را ملزم به اجرای آن می‌کنند. از شیر خشک گرفته تا مواد لبنی، غلات و حبوبات، برنج، ذرت، سویا و نوشیدنی‌های گازدار و مکمل‌های بدنسازی. همچنین آلوده کردن آب شرب و مواد غذایی با ترکیبات شیمیایی جدید و ناشناخته با ریزش ترکیبات فلزات سنگین در مخازن آب شهری و مواد رادیواکتیو در سیلوهای آرد و محصولات بی‌شمار دیگر که با بدن انسان همخوانی ندارند و تأثیرات موروثی و نسلی ایجاد می‌کنند (قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۲۳)؛ همچنین، رواج انواع مواد شیمیایی مضر در مواد بهداشتی و لوازم آرایشی و سمی کردن این مواد. برای مثال، مواد شیمیایی موجود در خمیر دندان‌ها، رنگ موهای شیمیایی، کرم‌های پوست، صابون و شامپوهای شیمیایی مو و بدن که بسیاری از افراد به خصوص زنان و دختران بدون توجه به عواقب زیان‌آور در استفاده از آنها زیاده‌روی می‌کنند و موجب ورود این مواد به بدن خود می‌شوند (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۶۰). همچنین، مواد شیمیایی مورد استفاده در استروژن‌های مصنوعی که به میزان زیادی در پلاستیک‌های استفاده شده در صنایع غذایی، ظروف فلزی غذا، کاغذها و مقواهای بازیافتی و اسباب‌بازی‌ها به کار می‌روند و بخارهای سمی، متصاعد شده از مواد شیمیایی پاک‌کننده سطوح مانند شیشه‌پاک‌کن‌ها و حشره‌کش‌ها، این مواد شیمیایی سبب ناهنجاری‌های ژنتیکی در انسان می‌شوند و پیامدهایی چون اختلال در سیستم‌های دفاعی بدن و گردش خون، کاهش قدرت باروری در زنان و مردان، بلوغ زودرس دارند. همچنین، استفاده از انواع سموم، آفت‌کش‌ها و کودهای شیمیایی در کشاورزی، مشکلات زیادی را به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه ایجاد کرده است. کشاورزان و باغداران دانش کافی و آگاهی لازم در مورد نحوه و میزان مصرف این گونه مواد خطرناک ندارند و با مصرف بی‌رویه و بدون کنترل، نه تنها محیط زیست را آلوده می‌کنند، بلکه با ایجاد مواد باقیمانده شیمیایی بیش از حد استاندارد در محصولات کشاورزی سبب ایجاد بیماری‌های مزمن و مشکلاتی چون شیوع، تولد کودکان

ناقص‌الخلقه، سقط‌جنین، اختلال در سیکل ماهانه زنان، ناباروری‌های ناشی از کاهش حرکت اسپرم در مردان، بلوغ زودرس یا دیررس، اختلالات هورمونی و جنسی در جوامع شده‌اند (دریایی، ۱۳۹۴: ۳۱۰).

تغییر سبک زندگی با ترویج الگوهای غربی و رواج انواع لباس‌های تنگ و چسبان که این روزها بر تن جوانان خودنمایی می‌کند، یکی دیگر از طرح‌هایی است که از این طریق سبب اختلال در سیستم باروری می‌شود که این مسئله از نظر پزشکی به اثبات رسیده است. برای مثال اگر شما جسم نمناکی را داخل ظرف دربسته‌ای قرار دهید و یک هفته آن را در جایی بگذارید و پس از یک هفته اگر به سراغ آن بروید، آن جسم نمناک کپک زده است. کپک، نوعی قارچ است. قارچ‌ها، از عوامل بیولوژیک هستند. خانم‌ها، به‌خصوص در کشورهای اسلامی که برای طهارت خود از آب استفاده می‌کنند، وقتی از این لباس‌های تنگ و چسبان به‌خصوص شلوارهای چسبان که بیشتر آنها نیز از جنس پلاستیک‌اند استفاده می‌کنند. این‌گونه شلوارها، مانع تبخیر می‌شوند و وقتی ناحیه تناسلی مرطوب باشد احتمال بروز انواع عفونت‌های قارچی بیشتر می‌شود (نامجو، ۱۳۹۳: ۹۶). عفونت قارچی، نوعی عفونت تناسلی شایع در زنان است. این عفونت‌ها، اگر به‌موقع درمان نشوند، می‌توانند داخل رحم، لوله‌ها و تخمدان‌ها یا دهانه رحم و بخش خروجی تناسلی را درگیر کنند و عوارض جبران‌ناپذیری را به‌بار آورند. عفونت، عامل اصلی سرطان‌هاست. سرطان رحم، از شایع‌ترین سرطان‌هایی است که در اثر عوامل عفونی در خانم‌ها ایجاد می‌شود (آمره و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴). این سرطان، سیستم تولیدمثل بانوان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اصلی‌ترین درمان آن برداشتن رحم به‌همراه تخمدان‌ها و لوله‌های فالوپ است. با برداشتن رحم، سیستم باروری خانم‌ها به‌طور کلی از بین می‌رود و دیگر قادر به تولیدمثل نخواهند بود. همچنین، پایه بنیادی باروری در مردان، سلول اسپرم است. تولید اسپرم، مهم‌ترین جزء در بخش تولیدمثل مردانه است و در گونه‌های تولیدمثل جنسی قرار دارد. اسپرم، ابتدا در لوله‌های کوچک میکروسکوپی درون بیضه به نام لوله‌های اسپرمی شکل می‌گیرد. از آنجا که بیضه‌ها مسئول تولید سلول‌های اسپرم هستند، سلامت این عضو از بدن در مردان برای باروری آنها بسیار مهم است و نقش مهمی در ذخیره و قدرت باروری مردان دارند (میرحسینی و طالب‌پور امیری، ۱۳۹۵: ۱۸۷-۱۸۴). علت اینکه بیضه‌ها درون کیسه‌ای خارج از بدن قرار دارند، این است که باید دمای آنها چند درجه خنک‌تر از دمای بدن باشد. آنچه قدرت اسپرم‌سازی مردان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، یکی تغذیه و دیگری شلوارهای تنگ و فاق‌کوتاه است. یکی از مدهایی که بین جوانان امروزی رایج شده، پوشیدن شلوارهای تنگ و چسبان است. این شلوارها، سبب بالا رفتن دمای بیضه‌ها و آسیب رسیدن به اسپرم‌ها می‌شود و قدرت باروری مردان را کاهش می‌دهد (نامجو، ۱۳۹۳: ۹۶). به‌طور کلی، بیضه‌ها تلاش می‌کنند تا گرما را از ناحیه تناسلی دور کنند، اما وقتی آقایان شلوار تنگ را برای مدت زمان طولانی به تن می‌کنند، گرما در ناحیه تناسلی آنها حبس می‌شود و این در باروری آقایان اختلال به‌وجود می‌آورد. شلوارهای تنگ و فاق‌کوتاه در مردان همچنین،

روی تعداد و کیفیت اسپرم‌ها تأثیر می‌گذارد و حتی در مواردی موجب درد بیضه می‌شود. این شلوارها از سه راه سبب آسیب بیضه‌ها می‌شود. مختل شدن جریان خون در ناحیه تناسلی، اختلال در تهویه هوای آن قسمت و نیز بالا رفتن درجه حرارت بیضه‌ها. نزدیک شدن و چسبیدن بیضه‌ها به بدن و یکی شدن درجه حرارت آنها با بدن در درازمدت سبب وارد آمدن آسیب به تولید اسپرم می‌شود.

عقیم‌سازی به وسیله واکسن‌های دوگانه یکی دیگر از طرح‌هایی است که بنیاد خانواده‌های راکفلر^۱ و بیل گیتس^۲ در سال‌های اخیر نقش پیشتازی را در تسریع این سیاست‌ها با استفاده از فناوری‌های جدید بر عهده گرفته‌اند و با تأمین بودجه زیاد تحقیقات مربوط به تولید واکسن‌های دوگانه در پی آن هستند که زنان و مردان در کشورهای جهان سوم را در قالب ژست انسان دوستانه با واکسن‌هایی چون کزاز و دیفتی برای همیشه عقیم کنند. بنابر گزارش یوریان میسن کارشناس ارشد سازمان بهداشت جهانی این سازمان یکی از شرکای اتحادیه گاوی^۳ است که در دهه ۱۹۷۰ میلادی، در قالب گروه کاری مربوط به تولید واکسن‌هایی برای قانونمند کردن باروری به بانک جهانی و صندوق جمعیت سازمان ملل متحد پیوسته است. این گروه کاری به عنوان یک بدنه هماهنگ‌کننده جهانی برای تحقیق و تولید واکسن‌های ضدباروری در گروه‌های کاری مختلف عمل می‌کند که موفق به تولید نمونه اولیه یک واکسن ضدباروری شده است (تیلور، ۱۳۸۹: ۱۲۲). این طرح که به مدت ۱۵ سال محرمانه انجام می‌گرفت، در سال ۱۹۸۹ میلادی، با اقدام‌های قضایی خصوصی سازمان‌های مرتبط با کلیسای کاتولیک، با اجبار از طبقه‌بندی خارج شده است (انگدال، ۱۳۹۸: ۹۰). بسیاری از طرح‌هایی که در این زمینه اجرا می‌شود به دلیل فوق سری بودن آنها هرگز آشکار نمی‌شود.

۲.۶. پروژه یوژنیکس^۴

پروژه یوژنیکس یا علم بیولوژی مولکولی، نام یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین پروژه‌های سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای قدرتمند غربی، از جمله آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی است که با هدف اصلی کنترل جمعیت جهان همه تلاش خود را صرف عقیم‌سازی مردم جهان، ممانعت از تولد و کنترل زاد و ولد می‌کند (دریایی، ۱۳۹۴: ۱۶۰). سرمایه‌گذاران این پروژه، بنیادهای راکفلر، بیل گیتس و چند شرکت

۱. بنیاد راکفلر (Rockefeller Foundation)، بزرگ‌ترین و ذی‌نفوذترین کمپانی آمریکایی به‌شمار می‌رود. این کمپانی، عوامل اجرایی ساختار قدرت آمریکا و مراکز حساس این کشور را در اختیار گرفته است.

۲. بیل گیتس (Bill Gates)، صاحب شرکت مایکروسافت، نویسنده سیستم عامل داس و ویندوز، یکی از مدیران معاصر در دنیای فناوری است. او با تأسیس مایکروسافت و عرضه محصولات پرترفدار، به ثروتمندترین فرد جهان تبدیل شد.

۳. اتحادیه (GAVI): اتحادیه جهانی برای واکسینه کردن و مصون‌سازی

4. Jogenix project

فرامیتی‌اند که در دهه ۱۹۷۰ میلادی، این پروژه را با عنوان یوژنیکس و به بهانه انقلاب سبز برای تغییر ژنتیکی بذرها و تخم‌های گیاهی آغاز کرده‌اند. در این پروژه، با دستکاری در خلقت خداوند و دخل و تصرف در ساختار ژنتیکی موجودات زنده گیاهی و جانوری و وارد ساختن ژن‌های سایر موجودات در دانه‌های زراعی و جانوری به تولید محصولات جدید مبادرت می‌ورزند. محصولاتی که از نظر شکل ظاهری کاملاً مشابه با محصول اصلی‌اند، اما با حمل ژن‌های جدید در خود پیامدهای غیرمنتظره و مطالعه‌نشده‌ای را خواهند داشت. زیرا وقتی ژنی به ساختار موجود زنده‌ای وارد شود که برای آن طراحی نشده باشد یا به جایی منتقل شود که این اطلاعات قبلاً در آنجا وجود نداشته باشد، آلودگی ژنتیکی به‌وجود می‌آید (فوردلویید و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۴). این آلودگی ژنتیکی، می‌تواند مضراتی جبران‌ناپذیری را در پی داشته باشد. در پروژه یوژنیکس، پروژه‌ها و برنامه‌های متنوعی به‌کار گرفته شده است. از جمله نابارور کردن زنان و مردانی که اغلب در سنین باروری قرار دارند و عقیم کردن آنها از طریق محصولات تغییر ژنتیک داده‌شده. در یکی از موارد اعلام‌شده در این پروژه، شرکت بیوتکنولوژیکی اسپسایت ۱ اعلام کرده که به روش مهندسی ژنتیک ذرتی را تولید کرده است که کشنده اسپرم و عقیم‌کننده مردان است. اسپسایت، یک شرکت بیوتکنولوژی خصوصی کوچک است که در سپتامبر ۲۰۰۱، طی کنفرانس مطبوعاتی گزارش داد که با موفقیت محصول ضدبارداری تولید کرده است. آنها پادتن‌های زنانی را که به مشکل پزشکی نادری موسوم به ناباروری ایمنی دچارند، گرفته و ژن‌هایی که تنظیم‌کننده پادتن‌های ناباروری هستند، از آن جدا کرده و با استفاده از تکنیک‌های مهندسی ژنتیک، این ژن‌ها را در بذرها ذرت معمولی که برای تولید گیاه ذرت به‌کار می‌رود، وارد می‌کنند. براساس گزارش‌های این شرکت، آنها گلخانه‌ای پر از گیاه ذرت دارند که پادتن‌های ضد اسپرم تولید می‌کند (انگدال، ۱۳۹۸: ۳۲۱).

۷. عقیم‌سازی بیولوژیک یک جنایت ضدبشری

با توجه به مطالب پیش‌گفته می‌توان گفت، عقیم‌سازی بیولوژیک اقدامی بیوتورویستی است، زیرا در این نوع عقیم‌سازی، قسمتی از بدن انسان که در تولیدمثل نقش دارد، توسط عوامل بیولوژیک آسیب می‌بیند. در واقع، در این نوع عقیم‌سازی به‌طور کلی سلامت انسان‌ها به خطر می‌افتد. همچنین با توجه به تعریف بیوتورویسم، می‌توان گفت که یکی از اهداف اقدام‌های بیوتورویستی، به خطر انداختن سلامت انسان‌ها از طریق عوامل بیولوژیک است. بنابراین، عقیم کردن افراد به‌خصوص جوانان که در سن باروری قرار دارند، از طریق عوامل بیولوژیک، مهندسی ژنتیک و دستکاری در برخی محصولات غذایی، داروهای شیمیایی، واکسن‌های دوگانه، که با برنامه سازمان‌یافته و با علم و آگاهی و قصد خاص انجام می‌گیرد تا از این

طریق سلامتی و امنیت انسان‌ها را به خطر اندازند. حال با توجه به این مطلب، سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا این اقدام بیوتروریستی، می‌تواند مصداقی از یک جنایت ضدبشری قلمداد شود؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا باید جنایت علیه بشریت را تعریف کرد. براساس اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، منظور از جنایت علیه بشریت حمله گسترده و سازمان‌یافته با هدف ضدیت نسبت به هر جمعیت غیرنظامی است که با علم و آگاهی به آن ارتکاب می‌یابد (واحدی، ۱۳۸۹: ۴۵). منظور از حمله، در تعریف جرم جنایت علیه بشریت، برخورد و رفتاری است که دربرگیرنده اقدام‌های خشونت‌بار باشد. این اقدام‌ها شامل هر گونه بدرفتاری و آسیب رساندن به یک جمعیت غیرنظامی است که متضمن مصداق مختلفی است. همچنین، واژه گسترده به معنای تعرض به جمع کثیری از افراد است. معیار گستردگی، عاملی کمی جرم است که توسط تعداد قربانیان تعیین می‌شود (نعمتی، ۱۳۹۹: ۱۳۷) و سازمان‌یافته بودن ناظر بر جنبه کیفی جرم و متضمن این نکته است که این حمله تصادفی نباشد، بلکه براساس یک برنامه یا سیاست از پیش تدوین شده انجام گیرد (واحدی، ۱۳۸۹: ۴۶). با توجه به تعریف جرم جنایت علیه بشریت و همچنین تعریف بیوتروریسم، می‌توان گفت که جنایت علیه بشریت و بیوتروریسم، دارای عناصری مشترکی‌اند و اهداف آنها نیز تا حدودی مشترک است، زیرا در این دو جرم، بیشتر افرادی که مورد تعرض قرار می‌گیرند، افراد غیرنظامی‌اند. تفاوت بیوتروریسم با جنایت بر ضد بشریت در نوع سلاحی است که در آنها به‌کار می‌رود. در بیوتروریسم، از عوامل بیولوژیک به‌عنوان سلاح استفاده می‌شود و در جنایت بر ضد بشریت می‌توان از سلاح‌های مختلف حتی عوامل بیولوژیک استفاده کرد. حال با بررسی و تحلیل عنصر قانونی و مادی جرم جنایت علیه بشریت و بیوتروریسم، می‌توان به این نتیجه رسید که آنچه در این جرائم مورد هدف قرار می‌گیرد و تهدید می‌شود، حیات انسان‌هاست. حیات انسان ارزشمندترین دارایی انسان است و صیانت از این دارایی بی‌همتا از ضروریات است. حیات انسان با مسائل و موضوعات گسترده‌ای پیوند خورده است. یکی از این موضوعات که با حیات انسان ارتباط مستقیم دارد، مسئله سلامتی است. سلامتی انسان یکی از لوازم اولیه برخورداری از حیاتی شرافتمندانه محسوب می‌شود و در عین این‌که برای بهره‌مندی از دیگر حق‌ها و آزادی‌ها ضرورت دارد تحقق و بهره‌مندی از خود این حق نیز در گرو وجود عنصر دیگری همچون امنیت است (جاوید و نیاورانی، ۱۳۹۲: ۴۸). امنیت، متضمن برخورداری از زندگی سالم، استاندارد و مناسب است. سلامتی و امنیت، دو نعمت از نعمت‌های بزرگ خداوند کریم است که به انسان داده شده و از آنها خواسته شده است که از این موهبت‌های الهی بهترین بهره را ببرند. بنابراین، سلامت و امنیت، سنگ زیربنای حیات فرد و جامعه است و پیش‌شرط هر گونه توسعه و رشد و رفاه و ارتقای مادی و معنوی به حساب می‌آید. امنیت، به معنای ایجاد شرایط و موقعیت ایمن، از جمله محیط فیزیکی برای حفاظت و گسترش ارزش‌های اصولی و حیاتی جامعه است. همچنین سلامتی همواره از

عوامل اصلی در ارزیابی توسعه‌یافتگی جوامع محسوب می‌شود و به‌طور مستقیم با رفاه و کرامت انسانی در ارتباط است. همچنین براساس اسناد حقوق بشری هر کس، حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد^۱ و هیچ‌کس را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا برخلاف انسانیت و شئون انسانی باشد.^۲ از این رو حق حیات، شایسته سلامتی، امنیت، آزادی، ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت مجازات و هر گونه رفتار ظالمانه و ممنوعیت رفتار برخلاف شئون انسانیت است. همچنین با مراجعه به اسناد بین‌المللی عام حقوق بشری می‌توان گفت، تروریسم در تمامی ابعاد آن نقض حقوق بشر محسوب می‌شود و بیوتروریسم، به‌طور خاص ناقض یکی از حقوق بنیادین آن یعنی حق بر سلامتی است. اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد حقوق بشری، بی‌توجهی و توهین به حقوق بشر را که به ارتکاب اعمال وحشیانه و جریحه‌دار کردن وجدان بشر منجر شده، محکوم کرده است. بنابراین، بیوتروریسم، با توجه به ویژگی‌هایی که دارد و به دلیل اقتران کامل آن با جرم جنایت بر ضد بشریت، می‌تواند مصداقی از جنایت ضدبشری باشد و عقیم‌سازی بیولوژیک که اقدامی بیوتروریستی است، می‌تواند مصداقی از جنایت علیه بشریت قلمداد شود. از طرفی، عقیم‌سازی اجباری یکی از جرائمی است که براساس اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، جرم‌انگاری شده است. این نوع عقیم‌سازی، از نوع عقیم‌سازی فیزیکی است که قسمت‌هایی از بدن افراد که در تولیدمثل نقش دارند، از طریق عمل جراحی برداشته شده یا از فعالیت انداخته می‌شوند. در اساسنامه دیوان، همچنین ماده ۷ و جرائم پایه جرم جنایت علیه بشریت، عقیم‌سازی از طریق عوامل بیولوژیک، مطرح نشده است. بنابراین، با توجه به مواد ۷ و ۸ اساسنامه دیوان می‌توان ثابت کرد که عقیم‌سازی بیولوژیک، نیز نوعی از جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود.

براساس بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان، اولین شرط تحقق جرائم علیه بشریت، عنصر مادی آن است که مرتکب یکی از رفتارهای پایه این جرم را انجام دهد. یکی از شاخص‌های مهم در تمامی جرائم پایه جرم جنایت علیه بشریت که به‌طور آشکار و پنهان خودنمایی می‌کند، عنصر عدم رضایت است. بنابراین، هر گونه تعرض به افراد بدون رضایت آنها با در نظر گرفتن شرایط دیگر می‌تواند جنایت علیه بشریت قلمداد شود. حال با توجه به این مطالب می‌توان گفت عقیم‌سازی بیولوژیک، نوعی عقیم‌سازی اجباری است، زیرا در این نوع عقیم‌سازی، افراد ناخواسته و ناآگاهانه و بدون رضایت واقعی و بدون اینکه خود متوجه باشند، موادی را مصرف می‌کنند و در معرض موادی قرار می‌گیرند که این مواد آغشته به انواع مواد شیمیایی‌اند که روی سلامت و همچنین باروری آنها تأثیر دارد. بنابراین، این مواد، از بنیادی‌ترین حق‌های بشری شناخته‌شده در نظام‌های ملی و بین‌المللی حقوق بشر یعنی حق باروری را با خطر جدی

۱. ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر.

۲. ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر.

مواجه کرده است که از این لحاظ می‌توان آن را نیز نقض آشکار حقوق بشر و جنایت علیه بشریت نامید. اگر این نوع عقیم‌سازی، با هدفی حساب‌شده برای انهدام کل یا قسمتی از مردم یک گروه انجام گیرد، می‌تواند تعبیری از نسل‌کشی نیز باشد (فلاح سیاه خاله سر و فضایی، ۱۳۹۸: ۱۲۰). همچنین، با توجه به بند پایانی شق ۸ بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان^۱ که به هر شکل دیگر خشونت جنسی همسنگ با عناوین مجرمانه را که ممکن است دقیقاً تحت عناوین بیان‌شده قرار نگیرد، ولی عملاً به وخامت و فجیع بودن همان‌ها باشد، پرداخته است. عقیم‌سازی بیولوژیک را می‌توان مصداقی از این مورد دانست، زیرا این نوع عقیم‌سازی از حیث کیفی وخامت کمتری از جرائم پایه نام‌برده شده در بند ۱ ماده ۷ ندارد. همچنین با توجه به شق ۱۲ بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان، که به جرم‌انگاری سایر اعمال غیرانسانی^۲ دارای ویژگی مشابه پرداخته و مقرر می‌دارد که مرتکب دیگر اعمال غیرانسانی دارای ویژگی مشابه را که موجب رنج فراوان و صدمه جدی به سلامت جسمی و روحی شود، انجام دهد (ورله، ۱۳۸۷: ۹۷). مبنای فکری پذیرش چنین قاعده‌ای، ایجاد امکانی برای جامعه جهانی است تا بتواند هر گونه خشونت را که ممکن است در آینده اتفاق افتد و وجدان بشری را متأثر سازد، اما در فهرست جنایت علیه بشریت نباشد، بی‌مجازات نگذارد (بیات، ۱۳۹۷: ۶۸). بنابراین، براساس این شق از ماده ۷ اساسنامه دیوان، عقیم‌سازی بیولوژیک با توجه به ویژگی‌هایی که دارد، می‌تواند در این شق از ماده ۷ قرار گیرد و یکی از جرائم پایه جنایت علیه بشریت قلمداد شود، زیرا عوامل بیولوژیک، همان‌طور که بیان کردیم، سبب آلوده شدن آب، مسموم شدن مواد غذایی و ناسالم شدن محیط زیست می‌شود. افراد هم ناخواسته و ناآگاهانه بدون اینکه از عوارض این مواد آلوده اطلاع داشته باشند، در معرض این مواد آلوده قرار می‌گیرند یا از آن مواد آلوده استفاده می‌کنند. این افراد طی یک فرایند زمانی که ممکن است از یک هفته تا چندین سال به طول انجامد، سلامتی خود را از دست می‌دهند و دچار انواع بیماری‌های مزمن^۳ و دردآور می‌شوند که یک مورد از این بیماری‌ها از دست دادن قدرت باروری است. این مسئله مشکلات فراوانی را برای خانواده‌ها، به‌خصوص زوج‌های جوان به‌وجود آورده است. درمان ناباروری، اگر قابل درمان باشد، مستلزم صرف وقت و هزینه‌های زیادی است و اگر نیاز به عمل جراحی نیز داشته باشد، این عمل‌ها هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی رنج مضاعفی را به افراد و خانواده‌ها وارد می‌آورد.

1. (g) Rape, sexual slavery, enforced prostitution, forced pregnancy, enforced sterilization, or any other form of sexual violence of comparable gravity
2. (k) Other inhumane acts of a similar character intentionally causing great suffering, or serious injury to body or to mental or physical health.

۳. بیماری مزمن در پزشکی به بیماری‌هایی گفته می‌شود که زیاد طول می‌کشند یا ذاتاً بلندمدت هستند. این بیماری‌ها، به‌تدریج ظاهر می‌شوند، ممکن است به مرور زمان پیشرفت کنند و چند علامت هشداردهنده داشته باشند یا اصلاً علامت نداشته باشند.

همچنین، براساس شق هفدهم جزء «ب» بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، کاربرد سم یا جنگ‌افزارهای سمی، که این حکم عیناً از بند «الف» ماده ۲۳ کنوانسیون لاهه برگرفته شده است، مصداقی از جنایت‌های جنگی است (کیتی‌شیایزری، ۱۳۸۳: ۳۲۵). شایان یادآوری است که جنایت علیه بشریت تا سال ۱۹۴۲ میلادی، مستقل از جنایت‌های جنگی نبوده است. ولی امروزه، مفهوم جنایت علیه بشریت متمایز و مستقل از جنایت‌های جنگی است و در اسناد بین‌المللی هم به صورت مستقل از آنها نام برده می‌شود. وجه اختلاف جنایت علیه بشریت با جنایت جنگی در این است که جنایت‌های جنگی در زمان جنگ و در طول درگیری‌های مسلحانه به وقوع می‌پیوندد، ولی ارتکاب جنایت علیه بشریت براساس حقوق بین‌الملل عرفی و برخلاف مقررات منشور نورمبرگ و توکیو لازم نیست در ارتباط با درگیری مسلحانه باشد. همچنین ارتکاب جنایت علیه بشریت باید لزوماً علیه یک جمعیت غیرنظامی باشد، درحالی که جنایت‌های جنگی می‌تواند علیه نظامیان و غیرنظامیان ارتکاب یابد. با توجه به مطلب ذکر شده می‌توان گفت که نسبت میان جنایت‌های جنگی و جرائم علیه بشریت عموم و خصوص من وجه خواهد بود که گذشته از موارد اختلافشان یک وجه اشتراک دارند و آن این است که ارتکاب جرائم علیه جمعیت غیرنظامی می‌تواند هم جنایتی جنگی و هم جنایتی علیه بشریت محسوب شود (غلام حیدر، ۱۳۸۵: ۳۰). با توجه به مطلب مذکور، استفاده از سم یا جنگ‌افزارهای سمی که عوامل بیولوژیک یکی از جنگ‌افزارهای سمی است، می‌تواند هم مصداقی از جنایت جنگی و هم جنایت علیه بشریت باشد.

سم، به ماده‌ای اطلاق می‌شود که منشأ شیمیایی (معدنی یا آلی)، بیولوژیک یا گیاهی دارد و مصرف آن در انسان حتی به مقدار جزئی موجب بروز حساسیت، اختلالات فیزیکی جسمی و روانی می‌شود و می‌تواند از یک راه خاص یا راه‌های مختلف در مقادیر معینی سبب اختلال یا توقف فعل و انفعالات حیاتی، به طور موقت یا دائم و در مواردی به مرگ منجر شود. جنگ‌افزارهای سمی، ابزارهایی هستند که به وسیله آنها، انسان‌ها و موجودات زنده دیگر مورد هدف قرار می‌گیرند. در اثر تماس این عوامل با هر قسمت از بدن انسان یا موجودات زنده، بدن آنها آلوده شده و به انواع بیماری‌های عمومی یا انحصاری آن ماده مبتلا می‌شود. این عوامل می‌تواند به صورت جامد، مایع و گاز استفاده شود. امروزه، بسیاری از مواد شیمیایی موجود در مواد غذایی، مواد بهداشتی و لوازم آرایشی از نوع مواد سمی‌اند. این مواد سمی، برای اینکه اثر آنی نداشته باشند، رقیق شده‌اند، چراکه یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد سلاح‌های بیولوژیک، آثار تأخیری این سلاح‌هاست. این مواد تأثیر خود را به مرور زمان در بدن افرادی که آنها را مصرف می‌کنند، نشان می‌دهند. در بعضی موارد، این مواد شیمیایی به نیت و هدف خاص به بعضی مواد مصرفی اضافه می‌شوند. به طور مثال، مواد شیمیایی موجود در مکمل‌های بدنسازی یا مواد شیمیایی موجود در لوازم آرایشی، نمونه‌ای از مواردی هستند که به منظور عقیم کردن افراد، به خصوص جوان‌ها در سن باروری به این مواد اضافه می‌شوند (نشاط و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۷). بنابراین، با توجه به مطالب

بیان شده می‌توان گفت که عقیم‌سازی بیولوژیک خود نیز یک جنایت ضدبشری است، زیرا این نوع عقیم‌سازی با علم و آگاهی و سازمان‌یافته و با هدفی مشخص با استفاده از عوامل بیولوژیک انجام می‌گیرد و بیشتر افرادی هم که از این طریق عقیم می‌شوند، افراد شخصی و غیرنظامی‌اند. بنابراین، با توجه به جمیع شرایطی که براساس اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، برای جرم جنایت علیه بشریت ذکر شد، این نوع عقیم‌سازی می‌تواند به‌عنوان یک جرم جنایت علیه بشریت، قلمداد شود.

نتیجه‌گیری

عوامل بیولوژیک، امروزه، چنان در زندگی مردم نفوذ کرده و مردم کشورها، چنان با این عوامل خو گرفته‌اند که جدا کردن این عوامل از انسان‌ها، اگر غیرممکن نباشد، خیلی مشکل است. مردم از همه قشر با پرداخت هزینه، ناخواسته و بدون آگاهی از عوارض این عوامل، آنها را به‌کار می‌برند و به‌طور غیرمستقیم در معرض اهداف دشمن قرار می‌گیرند. با وجود اسناد بین‌المللی متعدد و تلاش دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در جهت ممنوع کردن کاربرد عوامل بیولوژیک، هیچ‌یک از این اسناد و تلاش‌های دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی موثر واقع نشده است. زیرا در حال حاضر، جامعه جهانی در حال یک جنگ تمام‌عیار است که از آن می‌توان به جنگ جهانی سوم نام برد. این جنگ جهانی، جنگ جمعیتی یا به‌عبارت دیگر جنگ بیولوژیک است که سلامت و امنیت انسان‌ها را به خطر انداخته است. از خصوصیات این جنگ، این است که حتی یک گلوله شلیک نخواهد شد و به‌جای بمب و موشک عامل بیولوژیک است که سرنوشت قدرت‌ها را تعیین می‌کند. این نوع جنگ، از ضدانسانی‌ترین شیوه‌هایی است که آدمی برای پیشبرد مقاصد خود به آن متوسل می‌شود. با توجه به اینکه بشر با حل مشکلات بهداشتی و درمانی و کنترل بیماری‌های عفونی در سایه پیشرفت علم، فناوری و تمدن، کمک شایانی به بقای مادی خود کرده است. اما همزمان، به‌علت داشتن خلق‌وخوی حیوانی از دیدگاه و جنبه دیگری نیز از این پیشرفت بهره‌برداری کرده و همواره در فکر برنامه‌ای برای طراحی و گسترش شیوه‌هایی بوده که از آنها علیه هم‌نوعان خود استفاده کند. استفاده از عوامل بیولوژیک، به‌دلیل ماهیت غیرانسانی و وحشیانه‌ای که دارند و آثار زیانباری که از خود بر جای می‌گذارند، کاربردشان مغایر با اصول اولیه انسانی و مفاهیم اخلاقی است و توسط همه مردم، فرهنگ‌ها و ملل مختلف ممنوع و تحریم شده است. همچنین آزمایش عوامل بیولوژیک روی انسان‌ها، بدون شک برخلاف تمام موازین عرفی، فرهنگی، شرعی و قانونی است و دانشمندی که در تحقیقات خود آن آزمایش‌ها را روی انسان‌ها انجام می‌دهند، عالمان بی‌تعهدی هستند که از علم خود در راستای خوی حیوان آدمی استفاده می‌کنند. یک دانشمند سوئدی به نام، سی.جی.هدن^۱، مغایرت کاربرد عوامل بیولوژیک

با اصول انسانی را یک میثاق انسانی نامیده که می‌توان آن را پیمان عدم انسانیت یا پیمان عدم پستی^۱ نامید (شاه‌حسینی، ۱۳۸۱: ۵۹۵). همچنین، براساس قوانین بین‌المللی حقوق بشری، حقوق بشردوستان و اسناد بین‌المللی کیفری، استفاده از عواملی که موجب رنج‌های غیرضروری یا صدمه جدی به جسم یا سلامت روحی و جسمی افراد شود، ممنوع است و کاربردشان جنایت محسوب می‌شود. در نتیجه، کاربرد عوامل بیولوژیک، تحت هر عنوان و با هر هدفی که باشد، با توجه به آثار فجیع انسانی که از خود برجای می‌گذارد، مصداقی از جنایت علیه بشریت خواهد بود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. انگدل، ویلیام (۱۳۹۸)، *بدرهای نابودی، برنامه مخفی دستکاری ژنتیکی*، ترجمه قاسم دلیری، تهران: ققنوس.
۲. المیسری، عبدالوهاب (۱۳۸۳)، *دایره‌المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم*، ج ۷، ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین.
۳. حسینی مجرد، اکرم (۱۳۹۴)، *جمعیت ایران، افزایش یا کاهش*، چ سوم، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
۴. بهرامی، حسن؛ کرمی، علی؛ جوانمرد، رقیه (۱۳۹۶)، *سبک زندگی سالم*، تهران: یاررس.
۵. دستغیب، محمدرضا (۱۳۹۵)، *تسلیحات کشتار جمعی از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه*، ج ۳ تهران: میزان.
۶. دریایی، محمد (۱۳۹۴)، *بیوتروریسم در طب غربی*، تهران: آرمان رشد.
۷. شریعتی، علی (۱۳۸۱)، *خودآگاهی و استحمار*، تهران: بنیاد شریعتی.
۸. شاه‌حسینی، محمدحسین (۱۳۸۱)، *دفاع در برابر جنگ بیولوژیک و بیوتروریسم*، ج ۱ و ۲، تهران: سازمان تحقیقات نیروی مقاومت بسیج.
۹. غلام‌حیدر، علامه (۱۳۸۵)، *جنایت علیه بشریت در حقوق بین‌المللی کیفری*، تهران: نشر میزان.
۱۰. فوردلوید، برایان؛ دیاس، سونیار؛ بتن کورت، الیسو (۱۳۹۵)، *روش‌های ارزیابی فرسایشی ژنتیکی و آلودگی ژنتیکی*، ترجمه عبدالمجید مهدوی دامغانی، کورس خوشبخت و اگرین داوری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. قاسمی، صالح (۱۳۹۵)، *قتل عام خاموش*، تهران: خیزش‌نو.
۱۲. کرمی، علی (۱۳۹۵)، *بیوتروریسم (مجموعه مقالات)*، چ دوم تهران: هلال.
۱۳. کریانگ‌ساک، کیتی شیازری (۱۳۸۳)، *حقوق بین‌المللی کیفری*، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۴. میرحسینی، مهری؛ طالب‌پور، فرشته‌بیگم (۱۳۹۵)، *آناتومی عمومی*، تهران: پرستش.
۱۵. نامجو، بتول (۱۳۹۳)، *نگاهی نو به سلامت و باروری*، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی زنان و خانواده.
۱۶. واحدی، قدرت‌اله (۱۳۸۹)، *حقوق بین‌المللی کیفری*، تهران: جنگل.

ب) مقالات

۱۷. آگاه، حمید (۱۳۸۲)، «قرآن، حق حیات و چالش‌های موجود»، *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، ش ۳۵، ص ۱۸۱-۱۶۰.
۱۸. آمره، فاطمه؛ جهانگیری‌راد، مهسا؛ مظلومی، سجاد؛ رفیعی، محمد (۱۳۹۵)، «نقش عوامل محیطی و سبک زندگی در بروز و شیوع سرطان»، *مجله مهندسی بهداشت محیط*، ش ۱، ص ۴۲-۳۰.
۱۹. بیات، هما (۱۳۹۷)، «مفهوم جرائم علیه بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، *مجله بین‌المللی پژوهش ملل*، دوره ۳، ش ۳۰، ص ۷۳-۶۱.
۲۰. تیلور، دانیل (۱۳۸۹)، «واکسینه کردن جهان، گیتز و راکفلر به دنبال کاستن از جمعیت جهان هستند»، *نشریه سیاحت غرب*، ش ۸۶، ص ۱۲۴-۱۱۹.
۲۱. جاوید، احسان؛ نیاورانی، صابر (۱۳۹۳)، «قلمرو حق سلامتی در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، تهران، ش ۴۱، ص ۷۰-۴۸.
۲۲. حکیمی، سویل؛ محمدعلی‌زاده، سکینه (۱۳۸۷)، «بررسی حقوق باروری در نظام جامع سلامت: دستاوردها و چالش‌ها»، *فصلنامه حقوق پزشکی*، تهران، ش ۷، ص ۱۴۳-۱۳۰.
۲۳. خالقی، ابوالفتح؛ نبوی، نعمت‌الله (۱۳۹۴)، «به‌کارگیری سلاح‌های نامتعارف از منظر حقوق بین‌الملل کیفری و اسلام»، *فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، دوره ۲، ش ۴، ص ۴۲-۱۹.
۲۴. دهقان‌منگابادی، بمانعلی؛ حائری، محمود؛ حیدری، فاطمه (۱۳۹۰)، «حقوق فطری از دیدگاه قرآن»، *فصلنامه کتاب قییم*، دانشگاه میبد، ش ۱، ص ۳۹-۷.
۲۵. «ردپای راکفلر یهودی در کشاورزی ایران» (۱۳۹۸)، *مجله موعود*، ش ۲۲۸-۲۲۷، ص ۷۳-۶۹.
۲۶. صادق‌زاده‌میلائی، شاهین (۱۳۹۵)، «عقیم‌سازی از منظر معیارهای بین‌المللی حقوق بشر»، *ماهنامه حقوقی اجتماعی خط صلح*، تهران، ش ۶۹، ص ۲۷-۲۶.
۲۷. فلاح‌سیاه‌خاله‌سر، احمد؛ فضایی، مصطفی (۱۳۹۸)، «عقیم‌سازی اجباری مصداقی از جرم جنایت علیه بشریت در پرتو رویه دادگاه ویژه رواندا»، *فصلنامه علمی تخصصی مجله حقوقی دانشگاه اصفهان*، دوره ۶، ش ۹، ص ۱۴۸-۱۰۵.
۲۸. لمیعیان، می‌نور؛ مشهوری‌وایقان، آذر؛ جاجی‌زاده، سعیده؛ معاریان، زهرا؛ محمدی‌نسا؛ سام‌کن، زینب (۱۳۹۲)، «حقوق باروری از منظر حقوق بشر»، *نشریه تخصصی زنان و مامایی ایران*، تهران، ش ۲، ص ۴۳-۲۰.
۲۹. مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ حیدری، محمدعلی؛ نیکومنتظری، امین (۱۳۹۲)، «خصوصیت‌های مسلحانه و خشونت علیه زنان و کودکان از منظر مقررات بین‌المللی»، *فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ*، تهران، ش ۱۷، ص ۲۰-۹.

۳۰. نشاط، رامش؛ باقری‌پناه، راضیه؛ پورمحمد، فاطمه (۱۳۹۹)، «پیشگیری از ناباروری»، فصلنامه بهروز، تهران، ش ۱۰۵، ص ۵۹ - ۵۲.
۳۱. نعمتی، عطیه (۱۳۹۹)، «بررسی جنایات ضد بشریت در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه علمی - حقوقی قانون یار، تهران، ش ۱۴، ص ۱۴۹ - ۱۳۳.
۳۲. ورله، گرهارد (۱۳۸۷)، «جنایت علیه بشریت در حقوق بین‌الملل معاصر»، ترجمه امیرساعد وکیل مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۳۹، ص ۱۰۰-۵۹.
۳۳. یکرنگی، محمد؛ واحدی، مجتبی (۱۳۹۸)، «راهبردهای نظام سیاستگذاری کیفری ایران و بین‌الملل در مقابله با تهدیدهای امنیتی بیوتروریسم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۳، ص ۱۸۴ - ۱۵۹.

۲. انگلیسی

A) Article

1. Lamieian, Minour, Azar Mashhour-Vayeagan, Saeedeh Jajizadeh, Zahra Memarian, Nessa Mohammadi & Samoken, Zeinab (2013), "Reproductive Rights from the Perspective of Human Rights", *Iranian Journal of Obstetrics and Gynecology*, No. 2, pp. 20-43.
2. Nemati, Atieh (1399), "Investigation of crimes against humanity in international law", *Scientific-Legal Quarterly of Yar Law*, Tehran, No. 14, pp. 133 - 149
3. Werle, Gerhard (2005), "Principle on international Criminal Law ", *the hague: T.M.C. Asses Press*, part 4, pp. 214-266.

B) Instruments

4. International Court of Justice, Legality of the Threat or use of Nuclear Weapon, Advisory Opinion of 8 July 1996
5. The Nuremberg Tribunal Charter, 1950.
6. The Statue of the International Criminal Tribunal for the former 27.
7. Yugoslavia (ICTY), 1993.
8. The Statute of International Criminal Court. Rome, 1998
9. The Tokyo War Crimes Tribunal Charter, 1946